

ثبت سند روز روابط عمومی در مشهد

برای نخستین بار سندی در روز روابط عمومی در سازمان ثبت اسناد و املاک امضا شد



غلامرضا زوزنی

r.zouzani@shahrarane.ws.ir

در اقدامی ابتکاری به مناسبت ۲۷ اردیبهشت ماه، روز روابط عمومی، سند این روز ملی دیروز در یکی از دفاتر اسناد رسمی مشهد، رسماً ثبت شد. این اقدام به همت شورای هماهنگی روابط عمومی‌های دستگاه‌های اجرایی استان خراسان رضوی صورت گرفت و امضای مدیران روابط عمومی‌های استان به سند ثبت شده رسمیت بخشید. در این برنامه محمدحسن بهادر، مدیر کل ثبت اسناد و املاک خراسان رضوی، اعضای هیئت مدیره کانون سردفتران و دفتریاران و جمعی از اعضای شورای هماهنگی روابط عمومی‌های دستگاه‌های اجرایی استان حضور داشتند. پس از امضای سند و رسمیت یافتن آن، «مدال وقف خدمت» به ۲ مدیر روابط عمومی استان اهدا و از تلاش‌های آنان در پاسخ‌گویی به مردم تقدیر شد.

● تأکید بر جایگاه روابط عمومی در جامعه

مدیر کل ثبت اسناد و املاک خراسان رضوی در حاشیه مراسم امضای این سند به نقش روابط عمومی‌ها برای ایجاد بستر عادلانه اطلاع‌رسانی و روشنگری افکار عمومی اشاره کرد و گفت روابط عمومی‌ها و ارتباطات به قلب تپنده هر مجموعه تبدیل شده و نقش مهمی در رشد و توسعه کشور در خدمت‌رسانی عمومی کرده است. به گفته بهادر، ثبت این سند برای تأکید بر جایگاه روابط عمومی‌ها در جامعه است: «تصمیم گرفتیم با ثبت رسمی روز ۲۷ اردیبهشت ماه به عنوان روز روابط عمومی با حضور اعضای هیئت مدیره شورای هماهنگی روابط عمومی‌های دستگاه‌های اجرایی استان بر اهمیت این جایگاه ویژه در جامعه تأکید و از زحمات تمامی فعالان در این حوزه تقدیر و تشکر نماییم.» این سند در ۲ بخش قرار به رسالت و اهمیت شالغان در سمت روابط عمومی و تعهد به صداقت در این حرفه تنظیم شده است که بهادر آن را منشور اخلاقی کارکنان روابط عمومی دستگاه‌های اجرایی خواند: «اصل این سند پس از پردازش هنری تحویل سازمان اسناد ملی خواهد شد تا به عنوان سندی ماندگار از آن حفاظت شود.»

گزیده‌ای از برنامه‌های شبکه‌های مختلف صدا و سیما که امروز و فردا (۲۰ و ۲۱ خردادماه روزی آن تلویزیون می‌روند.

نام فیلم	شبکه	روز	ساعت
دوری و بازگشت	دو	پنجشنبه	۸
بازمانده	سه	پنجشنبه	۱۰
هیام	پنج	پنجشنبه	۱۱
چرخ	نمایش	پنجشنبه	۱۳
سربازان کوچک	کودک	پنجشنبه	۱۴
سربعزترین سرخپوست دنیا	نمایش	پنجشنبه	۱۵
در قامت یک مرد	نمایش	پنجشنبه	۱۷
جزیره گنج	امید	پنجشنبه	۱۸
بچه رابزرگ کردم	نمایش	پنجشنبه	۱۹
سرب	چهار	پنجشنبه	۲۰:۳۰
دستهای خالی	نمایش	جمعه	۲۱
دیترویت	نمایش	جمعه	۲۳
سایه‌های شهر	شما	پنجشنبه	۲۴
سربازان کوچک	دو	جمعه	۸
زخم زیتون	پنج	جمعه	۱۰:۳۰
شکارچی شنبه	نمایش	جمعه	۱۳
سفری به سرزمین خون و خاکستر	کودک	جمعه	۱۴
ابدی	نمایش	جمعه	۱۵
رادیو آبادان	یک	جمعه	۱۶
برای بهترین دوستم	نمایش	جمعه	۱۷
بازمانده	امید	جمعه	۱۸
ما آب رفتیم	نمایش	جمعه	۱۹
دوئل	چهار	جمعه	۲۰:۳۰
سی و سه روز	نمایش	جمعه	۲۱
هتل آرمیس	نمایش	جمعه	۲۳
همسنگار	شما	جمعه	۲۴

شهریار

روزنامه شهرامید وزندگی

شنبه

۱۱ خرداد ۱۳۹۹

۲۲ رمضان ۱۴۲۰

شماره ۳۲۱۲

SHAHRARANEWS.IR

۱۴

فرهنگ

نگ

احتمال بازگشت علیخانی به ماه عسل

احسان علیخانی در گفت‌وگوی زنده اینستاگرامی با حجت‌الاسلام محمد رضا زائری ضمن اشاره به علاقه‌مندی شخصی‌اش به حال و هوای برنامه «ماه عسل» از احتمال ساخت برنامه‌ای در آن حال و هوا خبر داد. او با اشاره به اینکه «ماه عسل» پراش مانند دانشگاه بوده است گفت: «من با «ماه عسل» آمون و خطا کردم و چیزهای زیادی آموختم. خوشحالم که این تجربه توانست پایگاهی جدی در فضای رسانه پیدا کند. خود من دلتنگ آن فضا و آن مدل از گفت‌وگوها هستم.»

علیخانی درباره احتمال بازگشتش به برنامه «ماه عسل» نیز توضیح داد: «شاید دیر یا زود به آن فضا و دنیای «ماه عسل» برگردم. آن جنس از گفت‌وگو با مردم عادی که داستان‌های ناشنیده بسیاری دارند، به ذائقه و سلیقه من نزدیک‌تر است. با این حال ۱۲ سال برای آن تجربه بس بود. از جایی که بعد احساس کردیم



حنظله، کودکی مغموم، پشت به جهان

نگاهی به تاریخ و هنر فلسطین، به مناسبت روز قدس

امیرمنصور رحیمیان

رویداد

قصه فلسطین و اهالی‌اش، قصه‌ای است پر آب چشم. مردمی که محکوم به زندگی در غربت‌اند و دلیلش را باید در کوتاهی نیاکانشان و بی لیاقتی سردمداران انسان و یا خدعه انگلیس‌ها و وقاحت آمریکایی‌ها جست‌وجو کرد. هر کدام را دوست دارید باور کنید. چون هر دو باهم این بلا را سر مردم باستانی، اصیل و باریشه فلسطین آوردند. این مملکت - فلسطین - انگار گوشت قربانی است که هر غول تشنگی که از راه رسیده، تکه‌ای از آن را به نیشتر و خنجر بریده و به یهودیان داده است. آخرین بار را تعریف کنم یا اولین بار؟! داستان چشمداشت این قوم خیره‌سز به سرزمین سرسبز و بکر فلسطین آن قدر طولانی است که بخشی از آن تبدیل به افسانه شده است. بگذارید همین اول ماجرا مطلبی را روشن کنم. این نوشته یک بررسی تاریخی، سیاسی و ژئوپولیتیک نیست. این نوشته قرار است، درباره هنر فلسطین و بازخورد فلسطین باشد. ولی مگر می‌شود با ندانستن عقبه یک ملت، به هنر و تولید فرهنگش نگاهی کرد؟! اصلاً افسانه‌ها، داستان‌ها، شعرها، نقاشی‌ها، موسیقی و... یک ملت برمی‌گردد به پیشینه تاریخی‌شان و تاریخ فلسطین، همه خون، درد

و غصب است. تصویر هنرمندان دیگر ممالک هم بر همین اساس شکل می‌گیرد. بر اساس تفاوت هنرمند در مورد تاریخچه یک سرزمین و زندگی اکنون یک ملت، اثری خلق می‌شود که می‌تواند تأثیرگذار باشد. برای همین اصرار دارم گوشه‌هایی از تاریخ و شکل پاره پاره شدن قلب یک قوم را توضیح بدهم. قومی که هر چند از نظر فرقه، زبان و فرهنگ از ما دورند ولی انگار گوشه‌هایی از خودمان هستند. پدران، مادران، برادران، خواهران و کودکان ما هستند که در آن طرف جهان اشک می‌ریزند و خون را با گوشه چپیه‌هایشان پاک می‌کنند. جنگ‌های سال ۱۹۴۸، نبرد اعراب با اسرائیل، معروف به جنگ شش روزه، و جنگ سه روزه و نبرد هر روزه بین سنگ‌ها و اسلحه‌ها در گرفت. ارتش تا دندان مسلح اسرائیل در مقابل جوانان دست خالی فلسطینی؛ ولی این جنگ فقط در کوچه و خیابان نبود. بین فرهنگ، هنر، ادبیات و دیگر مصادیق هویتی دو قوم هم نبردی جانانه در گرفت. بسیاری از هنرمندان و ادیبان فلسطینی، به خاطر نوع قلمشان و نگاهشان به موضوع اشغال، آواره دیگر کشورها شدند. طوری تاراند شدند که هیچ‌وقت، خیال باز آمدن به وطن خودشان را در سر نداشتند باشند. حل شوند در روز مگر می‌شود اصلاً یادشان نیاید که فلسطین،

کجا و چطور بود. ولی قاصبان فکر یک قسمت کار را نکرده بودند. هنرمندان، گرچه شاید به مبارزه ادامه ندهند ولی آثارشان به عنوان هنر فلسطینی در خاطر تاریخ ثبت می‌شود. فرهنگ یک ملت، از این میان هنرمندان دیگری هم بوده‌اند که هزینه بیشتری برای این مبارزه پرداخته‌اند. آن‌ها جانشان را در این راه داده‌اند. وقتی قلم قوی‌تر از اسلحه می‌شود، عاقبتش به حذف قلم می‌انجامد. یکی از این آدم‌ها «اجی‌العلی» کاریکاتوربست فلسطینی بود. ناجی، این قدر با کارا کتر کودک ده ساله‌اش «حنظله»، پشت به تصویر، به دیگر شخصیت‌های اثر، که فلسطینی‌های خونین و زخم خورده از ظلم بودند خیره شد؛ که نگاهی را تاب نیاوردند و او را در لندن ترور کردند.

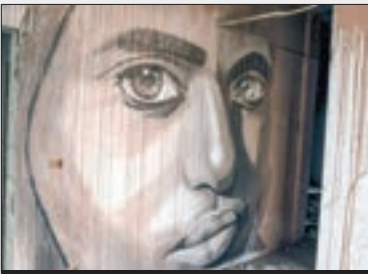
از دیگر آدم‌هایی که با هنرشان سعی در نشان دادن درد فلسطین و زخم مردمش داشته و دارند می‌شود به «سماعیل شاموت»، «عابد عبیدی»، «عبدالله الککارا»، «فاروق دیبا»، «محمود درویش»، «توفیق زیاد»، «سمیح قاسم»، «شادی ابوالقمیر» و خیل نقاشان، شاعران و نویسندگان اشاره کرد. اگر بخواهم نمونه تازه‌تری از این دست آدم‌ها بیآورم، ترجیح می‌دهم طراح و نقاش باشد. «عابد ارغف» هنرمند جوانی است که نقاشی

شاهد تکرار مکرر این مدل از برنامه‌سازی هستیم و به همین دلیل فکر کردم می‌شود کار دیگری هم کرد. الان خیلی از استعدادها پشت پرده مانده‌اند و به همین دلیل سراغ کاری رفتم که به مراتب سخت‌تر است. در واقع احساس می‌کنم این برنامه رسالتی دارد که باید به سرانجام برسد.

این مجری تلویزیون به برنامه‌هایی که در طی این سال‌ها در شکل و شمایل «ماه عسل» تولید شده‌اند نیز اشاره کرد: «این اتفاق توی



اثر بنکسی (هنرمند بریتانیایی)



اثر علی الجبالی

دیواری می‌کند. خودش می‌گوید: «ما شب‌ها بیرون می‌رفتیم و تمام این اقدامات مخفیانه بود. ما بیانیه‌های قوی و بی‌نظیر را روی

رئیس کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای اسلامی شهر مشهد بر حمایت کامل شورا از پروژه احیا و بازپیرایی بازار سرشور به‌عنوان بخشی از هویت تاریخی اجتماعی شهر مشهد تأکید کرد. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی شورای اسلامی شهر مشهد، احسان اصولی در جریان بازدید از بازار تاریخی سرشور در بافت میانی مشهد و پروژه بازپیرایی آن گفت: یکی از راهبردهای اساسی شورای فرهنگ اجتماعی تقویت هویت اجتماعی مشهد و برجسته کردن نقاط تاریخی هویتی آن از طریق حفظ آثار به‌جای‌مانده از تاریخ گذشته مشهد است. او با اشاره به اینکه بازار سرشور از دور دیموریان



رئیس کمیسیون فرهنگی شورای اسلامی شهر مشهد مطرح کرد

احیای بازار سرشور برای تقویت هویت تاریخی مشهد

نگاه به تئاتر کودک سطحی است

هنرمند مشهدی از وضعیت تئاتر کودکان و نوجوانان می‌گوید

غلامرضا زوزنی

r.zouzani@shahrarane.ws.ir

ایدا کوهستانی فاروج، جوان هنرمندی است که همانند بسیاری از اهالی تئاتر کارش را از فعالیت‌های فرهنگی هنری در مدرسه آغاز کرده است. او همه علاقه و پیشرفتش در تئاتر را مدیون توجّه خانواده‌اش و مربی‌ای که در مدرسه به او تئاتر می‌آموخت است می‌داند. این هنرمند جوان که اکنون مربی تئاتر است و در آموزشگاه‌ها به کودکان و نوجوانان تئاتر می‌آموزد، دبیرستان را با اخذ دیپلم تجربی سپری و حتی دوره کارشناسی را هم در رشته زیست‌شناسی تحصیل کرده است. با اینکه موقعیت تحصیلی مناسبی داشته اما از همان دوره نوجوانی به آموزش تئاتر بازگویی روی آورده و از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵، پای تدریس

استاد حمید قلعه‌ای نشسته است. چند سال بعد هم به کلاس‌های مرحوم سیدرضا کمال علوی رفته و در آن دوره‌ها هم با چم و خم نویسندگی نمایشنامه آشنا شده و هم از تجربیات این استاد تئاتر و سینما در حوزه بازیگری بهره‌مند شده است. او می‌گوید در دوره نوجوانی‌اش خانواده‌ها و به‌طور کلی جامعه برای ورود به رشته‌های هنری سخت‌گیر بودند. خانواده‌ها تا می‌دیدند دانش‌آموزی معدل درسی‌اش خوب است و او را مجبور می‌کردند به رشته‌های ریاضی و تجربی برود. در حالی که ممکن بود یک نوجوان علاقه‌اش به هنر باشد: «البته الان شرایط خیلی بهتر شده است و خانواده‌ها آزادی انتخاب بیشتری به فرزندانشان می‌دهند. خانواده من هم اجازه دادند در کنار تحصیل، به علاقه‌مندی‌های هنری‌ام بپردازم.»

او سال ۱۳۸۷ فعالیتش را در رادیو آغاز کرده و الان ۱۰ سال است که علاوه بر فعالیت در تئاتر به‌عنوان گوینده، برنامه‌ساز و نویسنده در صدای خراسان رضوی حضور دارد. او که گویندگی نمایش در رادیو را با مرحوم رضا ضاپور تجربه کرده، به همسرش، سهیل حمیدی، برای برنامه‌های طنز نیز ایتم‌سازی می‌کند. بالأخره هوای هنس بر جو تحصیلات تجربی فائق می‌آید و کوهستانی برای مقطع کارشناسی ارشد رشته هنرهای نمایشی و سینما با گرایش بازیگری را بر می‌گزیند و سال ۱۳۹۸ از پایان‌نامه‌اش با عنوان «بررسی و شناسایی فنون و شگردهای نقش‌پوشی (بازیگری) در سیاه‌بازی» در دانشگاه بزرگسار (ص) تیزر دفاع می‌کند. دانش‌آموزی از حمید قلعه‌ای (پیش‌کسوت تئاتر مشهد)، کوهستانی را به طرف فعالیت در تئاتر کودک و نوجوان سوق می‌دهد. در کنار تحصیل در رشته هنرهای نمایشی، به آموزش

هم مشغول می‌شود. پردیس تئاتر مستقل، شمایل، کانون رشد آموزش و پرورش و فرهنگ‌سرای ترافیک شهرداری مشهد، از جمله محل‌هایی بوده که از دانش کوهستانی برای آموزش بازیگری به هنرجویانشان بهره‌برده‌اند. به گفته او تماشاگرهای کودک بسیار باهوش هستند و نمی‌توان جلوی آن‌ها هر بازی‌ای را ارائه داد. «کودکان تماشاگران سالمی هستند. بازیگر در همان لحظه‌ای که برای کودکان اجرا می‌کند می‌تواند نتیجه کارش را بگیرد. تماشاگر کودک ملاحظاتی که تماشاگر بزرگسال تئاتر دارد را ندارد. کودکان حس‌هایشان را بروز می‌دهند. کودکان اگر از نمایش و تئاتر خوششان نیاید همان لحظه واکنش نشان می‌دهند. اگر بازیگری نتواند مخاطب کودک خود را به تئاتر جذب کند آن را از دست داده و



ممکن است شروع کند با کناردستی‌اش حرف بزنند و یا حتی خوراکی‌هایی که همراهش هست را بخورد. بارها شده روی صحنه در حال اجرا متوجه شده مخاطبان جذب اجرا نشده‌اند، در همان لحظه مجبور شدم نحوه بازی‌ام را عوض کنم تا آن‌ها را به نمایشم جذب کنم.» نوع نگاه بعضی از اهالی تئاتر که در حوزه کودک و نوجوان فعال هستند کار را قدری